

ارزیابی گردشگری روستایی با تاکید بر تحلیل عوامل راهبردی (SWOT)

فاطمه جوانبخت^۱

۱- دانشجوی سابق کارشناسی ارشد مدیریت کشاورزی، گروه اقتصاد کشاورزی، دانشگاه تبریز.

*مسئول مکاتبه Email: javanbakhtfatemeh4@gmail.com

چکیده

مقوله اقتصاد روستایی غیر زراعی اکنون به شدت مورد توجه کشورهای توسعه یافته برای استفاده از تمامی ظرفیت های اقتصادی نواحی روستایی قرار گرفته است. در این راستا، گردشگری روستایی که جزئی از صنعت گردشگری به حساب می آید. تحقیق به این سوال می پردازد که چه راهبردها و راهکارهایی جهت توسعه گردشگری، که منجر به توسعه روستایی می گردد، وجود دارد؟ به این منظور مقاله حاضر، با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی رویکرد به ارایه استراتژی و راهبرد در جهت توسعه گردشگری در مناطق روستایی پرداخته است. در این پژوهش که از روش توصیفی و روش فرا تحلیل بهره برده است، تلاش شده تا با بررسی رویکرد گردشگری روستایی، امکان انتخاب بهترین راهکار مداخله در نواحی روستایی فراهم شود. یافته های تحقیق نشان می دهد که رویکرد راهبردی در رویه تحلیل عوامل راهبردی (SWOT) می تواند با برخورداری از نگاه همه جانبه و انعطاف پذیر به متغیرها و مولفه های گردشگری روستایی، بیشینه کارآمدی در حوزه برنامه ریزی، طرح ریزی و اجرا در توسعه گردشگری روستایی را فراهم آورد.

کلید واژه ها: گردشگری روستایی، SWOT، عوامل راهبردی

مقدمه

مقوله اقتصاد روستایی غیر زراعی اکنون به شدت مورد توجه کشورهای توسعه یافته برای استفاده از تمامی ظرفیت های اقتصادی نواحی روستایی قرار گرفته است. در این راستا، گردشگری روستایی که جزئی از صنعت گردشگری به حساب می آید می تواند با شناسایی پتانسیل ها و برنامه ریزی اصولی و مناسب، نقش مؤثری در توسعه مناطق روستایی و در نتیجه توسعه ملی و تنوع بخشی به اقتصاد ملی برعهده داشته باشد [۱۵]. گردشگری نه تنها به عنوان یک ابزار بالقوه برای تغییر وضعیت فوق، بلکه یکی از عناصر جدایی ناپذیر راهبرد توسعه روستایی شده است [۳]. که با توجه به روند افزایش تخریب روستاها و کاهش کشاورزی سعی در احیای مناطق روستایی دارد و فرصت های زیادی برای نیروی کار مازاد که مهارت کمی دارند ایجاد می کند. بنابراین، گردشگری می تواند به عنوان مهمترین استراتژی برای اشتغالزایی سریع در بعضی مناطق معرفی شود [۴]. گردشگری

روستایی از یک سو با فراهم کردن فرصت های جدید برای بسیاری از روستاها به عنوان وسیله ای است که به جامعه روستایی حیات دوباره می دهد و موجب توسعه این نواحی می شود و این سکونتگاهها را پابرجا نگه می دارد و از سوی دیگر توسعه بدون برنامه ریزی شدن آن سبب آسیب های اجتماعی و زیست محیطی در سکونتگاه های روستایی می شود [۲].

مدیریت امور گردشگری در سطح ملی (ایران) از وظایف و مسئولیت های دولت است که خط مشی و سیاست های کلی وضع مقررات، ترتیبات اداری، منابع مالی، سهم هر یک از بخش های عمومی یا خصوصی توسط دولت مشخص میشود. در برخی از کشورها برنامه ریزی گردشگری در این سطح به صورت نیمه دولتی و حتی غیردولتی و خصوصی انجام می گیرد، به این ترتیب برنامه ریزی و مدیریت گردشگری روستایی وظیفه تعداد زیادی از سازمان های بخش دولتی و خصوصی و شوراهای اسلامی روستاهاست که به طور مستقیم و غیر مستقیم در گردشگری دخالت دارند. در واقع مدیریت گردشگری به عنوان یک وزنه تعادلی در چهارچوب دستیابی به گردشگری پایدار می باشد. هر گونه ناکارآمدی مدیریت گردشگری بنا به پیچیدگی جریان گردشگری در عصر حاضر پیامدهای منفی بسیاری به همراه دارد از این رو اهمیت بررسی مدیریت گردشگری راهکاری مناسب برای سنجش وضعیت و پیامدهای جریان گردشگری می باشد [۷]. توسعه گردشگری به عنوان راهبردی نوین که از دهه 50 به بعد آغاز گردید در آن سیاستگذاران محلی در جوامع روستایی به اهمیت این راهبرد پی برده اند اما تجربه کافی برای اجرای آن ندارند. و علیرغم افزایش توجه دولت ها به توسعه گردشگری روستایی و صرف هزینه برای توسعه روستاهای هدف گردشگری، کمتر به اهمیت ارزیابی گردشگری توجه شده است. لذا، تحقیق حاضر در پی آن بوده است تا رویکردی برای ارزیابی توسعه گردشگری روستایی ارائه دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، روش فراتحلیل است که از روش های توصیفی در تحلیل و ارزیابی به شمار می رود. چنانکه با بررسی و مطالعه اسناد و منابع کتابخانه ای در روش تحقیق اسنادی و همچنین روش توصیفی -تحلیلی در پژوهش های میدانی (در سطح ایران و جهان)،